

نظری اجمالی به

تاریخ

افشارهای آذربایجان

و معرفی

چند سند تاریخی

از

حسن قراخانی

(لیسانس در باستانشناسی)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حسن قراخانی
(لیسانسیه در باستان‌شناسی)

نظری اجمالی به
تاریخ افشارهای آذربایجان

و معرفی

چند سند تاریخی*

شاه عباس صفوی در اوایل اقتدار خود بمنظور کاهش نفوذ اقوام محلی و بومی تیره‌هایی از ایل افشار را که در جنوب اترک پراکنده بودند به آذربایجان کوچ داد و بهمین لحاظ اسکان خانواده - هائی چند از این قبیل در منطقه وسیعی که حالیه محصور در بین بیجارگروس و سقز و خمسه زنجان و سراسکند میانه میباشد باعث

* بهنگام بررسیهای باستانشناسی در منطقه افشار آذربایجان غربی که حاصل آن در شماره‌های پیشین این مجله منتشر شده است ، چندین سند نفیس تاریخی مربوط به حکام محلی افشار بنسبت نگارنده افتاده که تا حدودی وضعیت این قوم را در منطقه یادشده مشخص می‌نماید. بدین جهت مناسب می‌بیند براساس برخی از این اسناد شرحی نیز پیرامون تاریخ افشارهای این منطقه نگاشته آید .

اشتهار آن به **منطقه افشار** گردیده است. اسناد و مدارک خطی حاکیست که در عصر صفوی طوایف افشار این منطقه پیوستگی و اتحاد قومی و ملی نداشته‌اند و سران آنها با دست‌اندازی به سرزمین‌های مجاور سودای بسط‌گسترش قلمرو خود را در سرمی‌پرورانده‌اند، در این رهگذر تلاش دوتن از آنان بنامهای قبادخان و مایل‌خان در عهدشاه سلیمان و شاه سلطان حسین سبب‌گردید که آوازه جماعت افشار این منطقه بگوش حکومت مرکزی نیز برسد^۱

افشارهای این منطقه که خود را شاخه‌ای از افشارهای قاسملو میدانند تا روی کار آمدن نادرشاه مرکزیت ثابتی بخود نمیگیرند، عبور نادر از این منطقه به‌نگام عزیمت برای جنگ با توپال عثمان پاشا، در تحکیم روابط سران قوم بسیار مؤثر بوده و هم از آن لحظه به بعد پایه‌های حکومت محلی خاندان افشار این منطقه دوام و قوام شگفت‌آوری میگیرد و نتیجه اینکه در اوایل عصر قاجار بزرگترین مالکان و زمین‌داران افشار در این نقطه از آذربایجان پامیگیرند. سران افشار روستاهای بیشماری را در تیول خود داشتند و در هر زمان با توسل به زور و گاه با سفاکی و خونریزی و ارباب دستمایه رعیت ساکن در آن منطقه را به یغما می‌بردند، آنان همیشه دستگاه حکومت مرکزی را راضی نگه‌داشته و به پشتگر می‌آیدای خود در مرکز از هیچگونه تعدی فروگذار نمی‌کردند و یکی از دلایل پیشرفتشان نیز همین بوده است. چنانچه اسناد و مدارک بیشماری که امروزه در دست احفاد آنان باقیست جمع‌آوری و بازخوانی شود حقیقت ماجرا روشن‌تر خواهد شد، در اینجا یادآور میشویم که برخی از وابستگان آنان

۱- در این باره نگاه کنید به متن فرمانهای شماره ۴ و ۵ که نگارنده در مجله بررسیهای تاریخی شماره ۱ سال نهم معرفی کرده است.

بدون توجه به سیر طبیعی و حرکت قطعی تاریخ و بنا به عللی از آشکار کردن این اسناد متوحشند غافل از اینکه چگونگی رفتار این قبیل مالکان بر همه آشکار بوده و هست و امروزه نیز داستان‌ها و روایت‌های زیادی از شقاوت‌های آنان بر زبانها جاریست. در اوایل عصر قاجار سلیمان خان افشار^۲ معروفترین آنان بوده و گسردانندگان حکومت مرکزی نیز توجه زیادی به وی داشته‌اند، تعداد زیادی از فرمانها و اسناد خطاب به وی صادر شده و هم اکنون در دست اشخاص مختلف باقیست. تا آنجائیکه از اسناد و مدارک موجود برمی‌آید سلیمان خان مرد متنفذ و زورگویی بوده و ایادی وی در همه حال از اجحاف و غضب اموال مردم ابائی نداشته‌اند، دو مکتوب از زمان وی در دست است که هر دو صحت مدعای ما را با ثبات می‌رساند. این دو مکتوب که یکی به مهر و حاشیه نویسی امیر نظام گروسی و دیگری به مهر حسام السلطنه^۳ مزین شده مربوط به تصرف و ضبط دهاتی است که عمال وی بدان مبادرت ورزیده‌اند. (به متن سند شماره ۱ و ۲ رجوع شود).

مرکز منطقه افشار در آن روزگاران قصبه صاین قلعه یا شاهین دژ فعلی بوده است لیکن سلیمان خان مرکز فرمانروائی و اقامت خود را

۲- ظاهراً این شخص نباید با سلیمانخان افشار قاسملو ملقب به صاحب اختیار و رئیس ایل افشار مقیم ساوجبلاغ اشتباه شود، شخص اخیر نوه نصرالله خان افشار معروف به زهرمارخان بوده و بسال ۱۳۰۹ هـ ق درگذشته است امیرکبیر نیز مأموریت مهمی بوی واگذار کرده است، درین باره میتوان به روضه‌الصفی تألیف هدایت جلد ۱ ص ۴۴۵ چاپ حکمت قم، نگاه کرد.

۳- حسام السلطنه برادر محمد شاه و عموی ناصرالدین شاه است. درباره او نگاه کنید به: تاریخ رجال ایران، تألیف بامداد، ج ۲، ص ۱۰۴ به بعد. چاپ زوار تهران ۱۳۴۷.

روستای مصفای یلقون آغاج قرار داده بود، ویرانه‌های کاخ مسکونی نامبرده هم‌اکنون در میان باغی در آن روستا پا برجاست و طرح اصلی آن عبارت از بنای هشت‌ضلعی آجری است که با الهام از بناهای دوران صفویه (شاید کاخ هشت بهشت اصفهان) ساخته شده و داخل آن نقاشی‌های دیواری با ارزشی داشته است (عکس ۱)، متأسفانه اولاد واحفاد او چندان علاقه‌ای به حفظ این بنا نشان نداده‌اند و با وجود این درگاهی‌های ورودی بنا همچنان بروی پای خود ایستاده است. (عکس ۲). در حوالی سال ۱۳۰۰ هـ ق حیدرخان افشار یکی دیگر از سران بانفوذ این خاندان بشمار میرفته است. وی منصب میرپنجی داشته و حاکم صاین قلعه بوده است. چهار پسر او بنامهای محمدخان،

کتابخانه



عکس ۱- عمارت سلیمان خانی واقع در یلقون آغاج



عکس ۲ - جزئیات بنا

بیوک خان ، محمدحسین خان و آقاخان روابط حسنه‌ای باحکومت مرکزی داشته‌اند .

امیرنظام گروسی بهنگام اقامت در تبریز حامی حیدرخان و

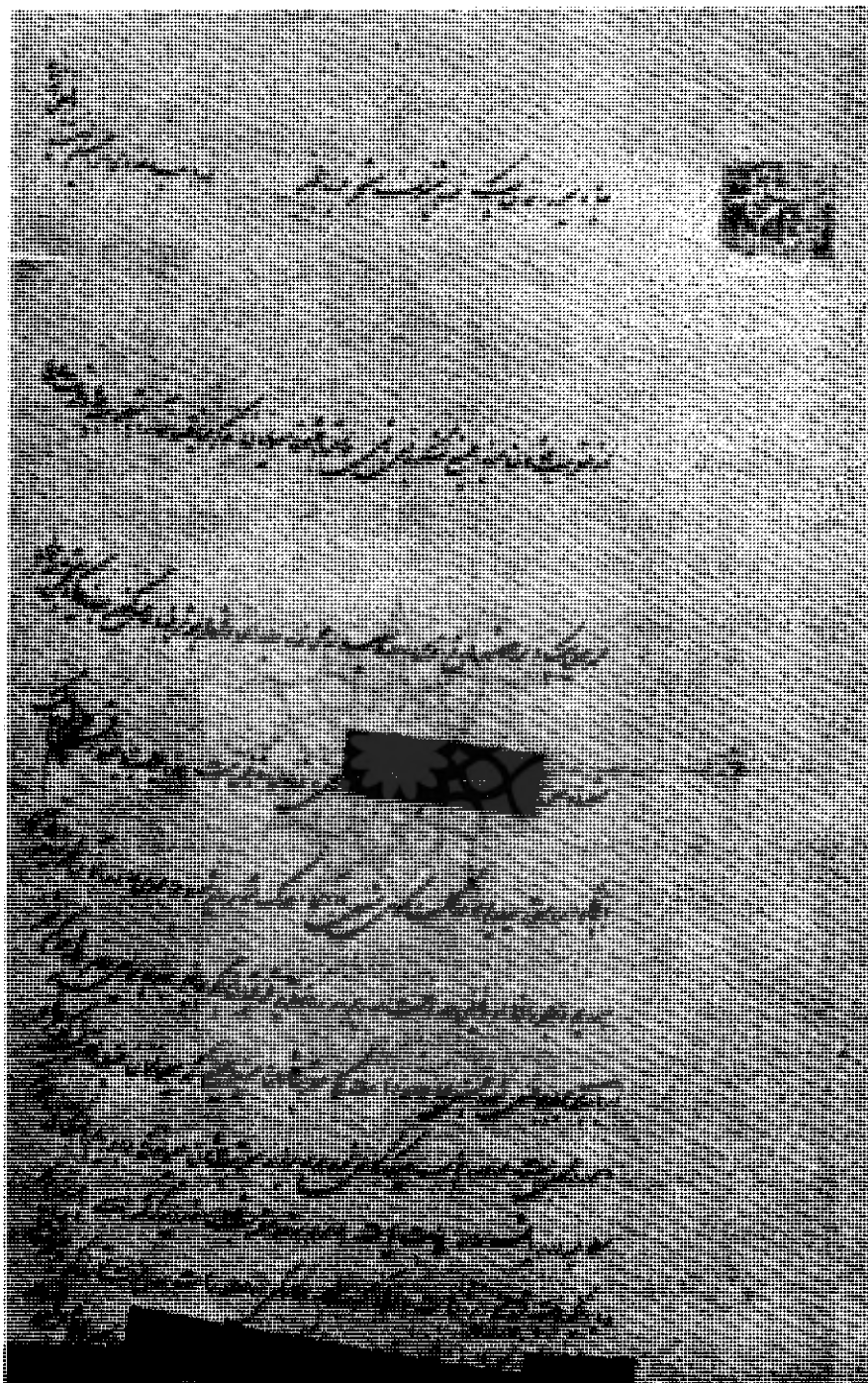
پسران او بوده است و پس از مرگ حیدرخان بر اثر سعی و اهتمام امیر نظام در سال ۱۲۸۳ ه. ق. منصب او بانضمام یکصد تومان مواجب سالیانه دیوانی در حق محمدخان فرزند ارشد حیدرخان برقرار شده است. محمدخان منصب سرهنگی نیز داشته و چنانکه از متنهای سندها برمی آید در دوران ولیعهدی مظفرالدین میرزا «لیلا و نهاراً مشغول خدمتگذاری بوده است.» بر محققین تاریخ قاجار پوشیده نیست که نوع خدمات این قبیل اشخاص بر چه مبنائی بوده است و تصدیق خدمات و شایستگی امثال محمدخان از طرف امیر نظام نیز جای حرف دارد تا بدانجا که بر اثر تمهید امیر نظام و پس از مرگ حاجی آقاخان ماکوئی (یکی دیگر از مالکان بزرگ آذربایجان) مبلغ نود تومان از بابت مواجب آن مرحوم به مستمری محمدخان اضافه شده! و نتیجه اینکه بتصریح یکی از این فرامین در سال ۱۳۰۳ ه. ق محمدخان مجموعاً بیش از ۳۱۷ تومان مواجب از خزانه مملکتی دریافت میداشته است. پس از محمدخان فرزندش حسینعلی خان یکی از مقتدرترین مالکان بزرگ منطقه افشارگردید، وی بمصداق «هر که از پدران ننگ داشت ناخلف است» درست در جهت هدفهای پدر و پدر بزرگ گام برمیداشت. نزدیکی او با عوامل حکومت مرکزی بی سبب نبود، زیرا برای نگهداری املاک و احشام بی حد و حصری که مستقیماً با حمایت امیر نظامها بدست آمده بود چنین سیاستی واجب شمرده میشد، اتخاذ این روش بویژه برای کسی که بنا به فرمان همایونی «یکی از خانه زادان دولت و پروردگان نعمت که طریق جان نثاری و راه خدمتگذاری را در کمال صداقت پیموده» بسیار عاقلانه بنظر می آید. خدمات حسینعلی خان بالاخره به نتیجه رسید و وی در سال ۱۳۱۶ ه. ق به لقب یمین لشگری و در سال ۱۳۱۷ ه. ق به لقب ساعدالسلطانی

ملقب گردید و در سال ۱۳۱۶ مجموعاً یکصد و پنجاه تومان از خزانه مملکتی دریافت میداشته است .

امیر نظام گروسی بهنگام اقامت در تبریز علاوه بر فرزندان و نوادگان حیدرخان با برخی از دانشمندان و علماء دینی منطقه افشار نیز مرابطه و مکاتبه داشته است، یکی از اینان آخوند ملا عبدالغفار نام داشته که امیر نظام بوی ارادت میورزیده است، مسقط الراس او تبریز بوده لیکن بنا بدرخواست امیر نظام همراه فرزندش محمد حسین معروف به معین الاسلام در منطقه افشار بسر می برده و وظیفه ارشاد داشته است. پدر و پسر هر دو خط نیکو می نوشتند و در انشاء و ترسل سرآمد اقران بوده اند و بویژه محمد حسین معین الاسلام اشعار نغز می سروده است، در سالهای اخیر مجموعه اشعار نامبرده بهمت فرزندش احمد نجات تحت عنوان کلید بهشت طبع و نشر یافته است. از این دو تن مکاتبات متعددی که اکثراً به امیر نظام نوشته شده برجای مانده است و بمنظور آشنائی با انشاء و ترسل آخوند عبدالغفار تصویر یکی از نامه های او را که به امیر نظام نوشته می آوریم، این نامه حاکی از تبریک عید و همچنین درخواست مرخصی است و در حاشیه آن امیر نظام باخط خود او را مورد ملاحظت قرار داده و لزوم احترام و توقیر نامبرده را به حیدرخان یادآور شده است .

سند شماره ۱

جای مهر : حسام السلطنه ۱۲۶۶. عالیجاه میرزاخان بیک غلام پیشخدمت مفتخر بوده بداند : درباب دعاوی ابراهیم و نعمت‌اله و فیض‌اله نامان از مقرب‌الخاقان میرزا حسینعلی لشکر نویس باشی که مقرب‌الخاقان سلیمان خان حاکم صاین قلعه آنها را باستصواب عالیجاه عزت همراه محمدحسین بیک مأمور حضرت ارفع اقدس والا ولیعهد روحی فداه بدارالدوله فرستاده بود شرفیابی حاصل کردند، بعد از رسیدگی و تحقیق در مجالس متعدده معلوم شد که دعاوی آنها بدون مستمسک شرعی و از روی غرض است. لهذا بموجب این ملفوفه رقم عنبرشیم مبارک بآن عالیجاه امر و مقرر میداریم که در کمال دلگرمی مشغول آبادی املاک مشارالیه شده واحدی را در آنجا مداخله ندهید و خانهای (خانه‌های؟) ابراهیم و برادران او و فیض‌اله و نعمت‌اله و عبداله را از قریه قزقیان بکوچانید بهرچاکه میل دارند رفته ساکن شوند. درباب مواجب و حاصل نقد و جنس چهارساله دهات ملکی مقرب‌الخاقان میرزا حسینعلی که سلیمان خان ضبط و تصرف کرده ، آن عالیجاه مأمور و محصل است که در این باب رسیدگی کامل نموده هرچه بر ذمه مقرب‌الخاقان سلیمان خان و ابراهیم و بستگان او بوده باشد مطالبه و دریافت دارد ، از بابت مالیات امساله هم هر قدر مقرب‌الخاقان مشارالیه گرفته است باید رد نماید و یا اینکه از بابت قیمت جنسی دیوانی دهات با آن عالیجاه محسوب بدارد. هرگاه کسی از حدود دهات در این مدت تجاوز کرده باشد تصرف نموده و مانع شویند که بحدود املاک مشارالیه زیادتى نکنند و در مقام ضرورت اگر کومکی بخواهید بعالیجاه میرزا حیدرقلی اظهار نموده که همه جا همراهی خواهد کرد ، حسب المقرر مرتب دارند و در عهده شناسند فی شهر جمیدی‌الثانیه ۱۲۹۴ .



سند شماره ۱ - با مهر حمام السلطه

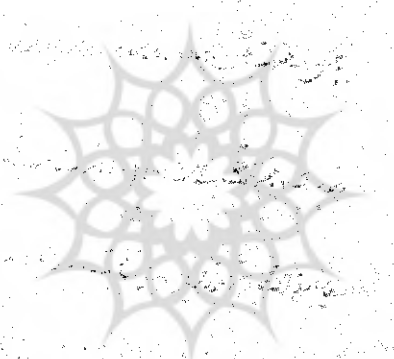
(۹)

سند شماره ۲

فهرست عرض و استدعای جان نثار ابراهیم صاین قلعه‌ای

تصدق وجود مسعودت شوم : پیرارسال درباب خون بهای حبیب‌اله بیک و ملک [او] ازدست سرکار مقرب‌الخاقان میرزا احسینعلی بخاکیای مبارک عارض شدیم چون عالیجاه مزبور در طهران است امر و مقرر فرمودید که رفته در طهران بخاکیای حضرت ظل‌الله روحنا فداه عارض شده هرچه امر و مقرر گردید از آن قرار رفتار شود، جان نثار رفته بخاکیای مبارک عارض شدم دستخط مبارک بعهده حضرت مستطاب اجل اکرم دام‌اجلاله‌العالی شرف صدور یافت که : حکماً املاک و خون بهای حبیب‌اله بیک را از عالیجاه مرقوم گرفته بجان نثار مسترد فرمایند و در این مضمون جنت و رضوان مکان صدراعظم مرحوم هم حکم مرحمت فرمودند در این اثناء در دیوانخانه طهران عالیجاه مزبور را احضار فرمودند مراتب را حاشا نمود ، مجدداً فرمودند که : می‌نویسیم بخدمت حضرت مستطاب اجل اکرم که آنچه اطلاع دارند ملک و خون بهار گرفته مسترد دارند، جان نثاران می‌آمدیم که دستخط مبارک و احکامات را بنظر مبارک رسانده حکم بفرمایند در اثنای راه سرکار مقرب‌الخاقان علی‌رضا خان سرتیب و نواب مستطاب شاهزاده پاشاخان هردو بجان نثار مانع شدند که : حضرت اجل اکرم بما محول فرموده‌اند که عمل شمارا با تمام رسانیم. در بیجار در حضور مرحوم شیخ علی‌اصغر با وکالت سرکار میرزا موسی‌خان سرهنگک جمیع عمل ما را بچهار دانگ قشلاق خرابه خالی از سکنه و قرار کرده‌اند که هرچه عوارض دیوانی داشته باشد نقداً

مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ژانر مطالعات علوم انسانی

مجله شماره ۲ - درحالی‌که مجله، آمیزش‌های گوناگونی به اشتراک رفته بر روش‌های مختلف، بین خان
واگذار کرده است .

و جنساً بعمده ایشان باشد، احدی بآنجا الی یکصد سال دخل تصرف ننماید و جمیع اسناد جان نثار را علی رضاخان گرفته بنامدار بیک و سرکار میرزا موسی سپرده است، حالاً نه سندهای جان نثار و نه غله و تنخواه را میدهند این فقره را به سرکار خان بابا خان عرض کردیم ایشان جان نثار را مرخص فرمودند که آمده بخاکپای مبارک عارض نمائیم [کذ]۱ حالاً حکم حکم حضرت مستطاب اجل اکرم است باید رفع ظلم بفرمائید زیاده چه جسارت شود.

حاشیه راست سند دستور امیرنظام: تکلیف شما این است که این نوشته را برای فرزندی عبدالحسین خان * بگروس بفرستید تا مصالحه نامه و نوشتجاتی را که علیرضاخان از شما گرفته بمرحوم نامدار بیک و میرزا موسی سپرده گرفته بفرستد که بعد از ملاحظه مصالحه نامه مرحوم شیخ اصغر حکم این فقره خواهد شد ۱۳۰۴.

سند شماره ۳

نوشته مهر چهارگوش کلاهکدار ناصرالدین شاه وسط بالای صفحه باین سجع:

الملك لله تعالی + تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت

صیت داد و معدلت از ماه تامهی گرفت ۱۲۶۴

متن مهر بالای سمت راست صفحه: الملك لله - فرمان همایون شد ۱۲۸۴: چون عالیجاه عزت و سعادت همراه حیدرخان افشار غلام پیشخدمت از آستان معدلت بنیان همایون استدعا کرده بود که

۴- «عرض نمائیم» درست است.

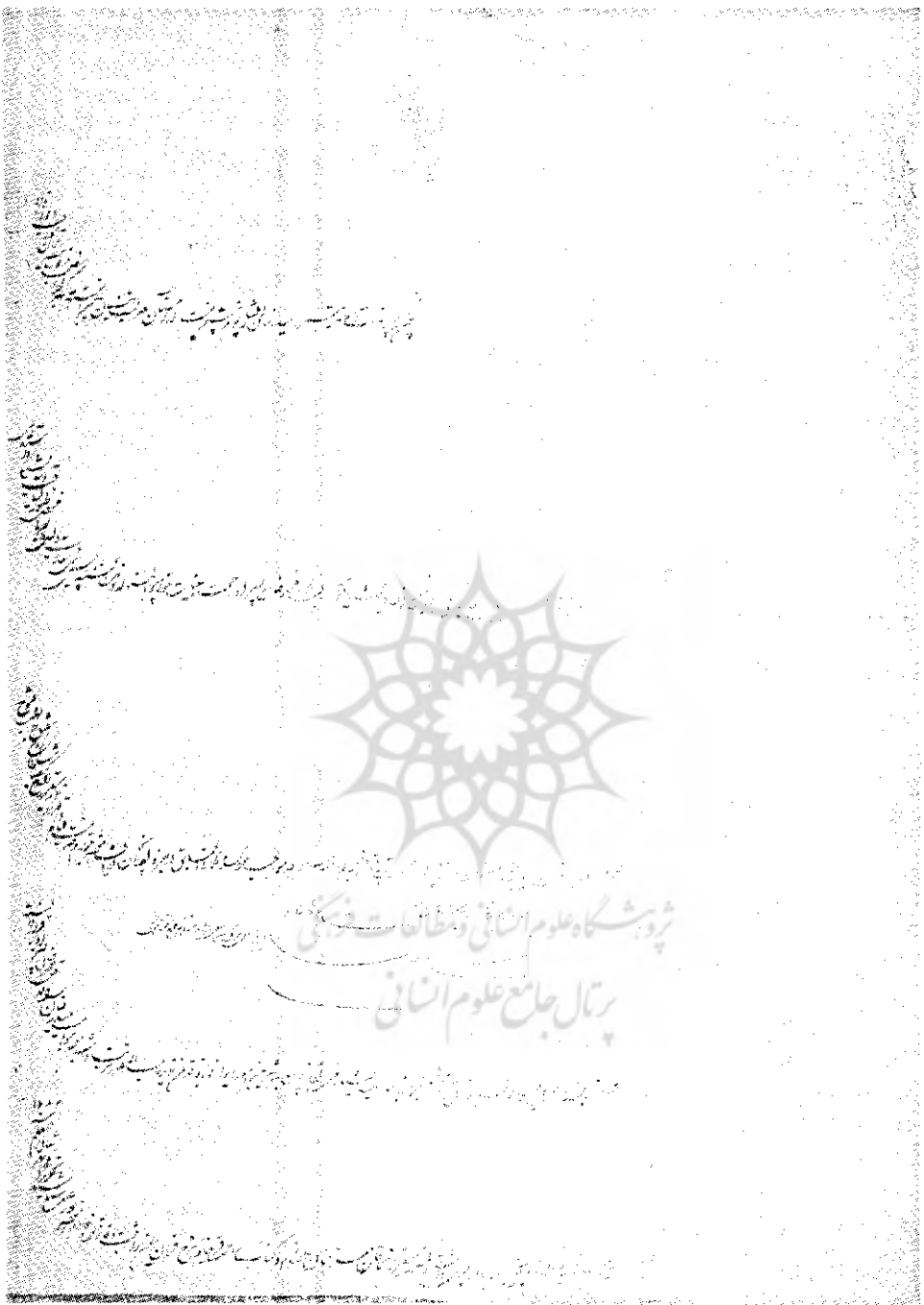
۵- مراد عبدالحسین خان سالارالملک فرزند حسنعلی خان امیرنظام گروسی است که در سال ۱۳۰۹ در زمان سلطنت ناصرالدین شاه از طرف پدرش به حکومت گردستان و گروس منصوب گردید، در این سال حکومت گردستان و کرمانشاهان به امیرنظام تفویض شده بود و وی نیز فرزندش را نیابتاً به حکومت مناطق فوق فرستاد. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: تاریخ رجال ایران تألیف باامداد ج ۲ ص ۳۶۴. انتشارات زوار. سال ۱۳۴۷.

منصب مزبور با یکصد تومان مواجب دیوانی او که همه ساله از قرار دستورالعمل از بابت مالیات آذربایجان اخذ و دریافت می نماید در حق عالیجاه محمدخان پسر او مرحمت و عنایت شود ایجاباً بمسئوله در هذاه السنه پارس ثیل سعادت دلیل و مابعدها محض ظهور لیاقت و شایستگی و استدعای عالیجاه مشارالیه تیول و مواجب اورا کماکان در باره پسر او مرحمت و برقرار فرمودیم که همه ساله وجه مواجب خود را کما فی السابق در جزو آذربایجان دریافت نموده بلوازم خدمت قیام و اقدام نماید ، مقرر آنکه : مصباح مشکوة روح و مفتاح ابواب فتوح فرزند ارجمند بیهمال و لیعهد دولت بی زوال مظفرالدین میرزا صاحب اختیار مملکت آذربایجان بمباشرین امور دیوانی آنجا قدغن نماید که حسب المقرر مرتب داشته وجه مواجب حیدرخان را در حق محمدخان پسر او برقرار دانسته همه ساله عاید دارند و بخرج آذربایجان مجری داشته [حسب] المقرر مقربو- الخاقان [گذ] ^۶ مستوفیان عظام و کتاب سعادت فرجام شرح فرمان همایون را ثبت دفاتر [خلود] و دوام نموده در عهده شناسند تحریراً فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۸۳ .

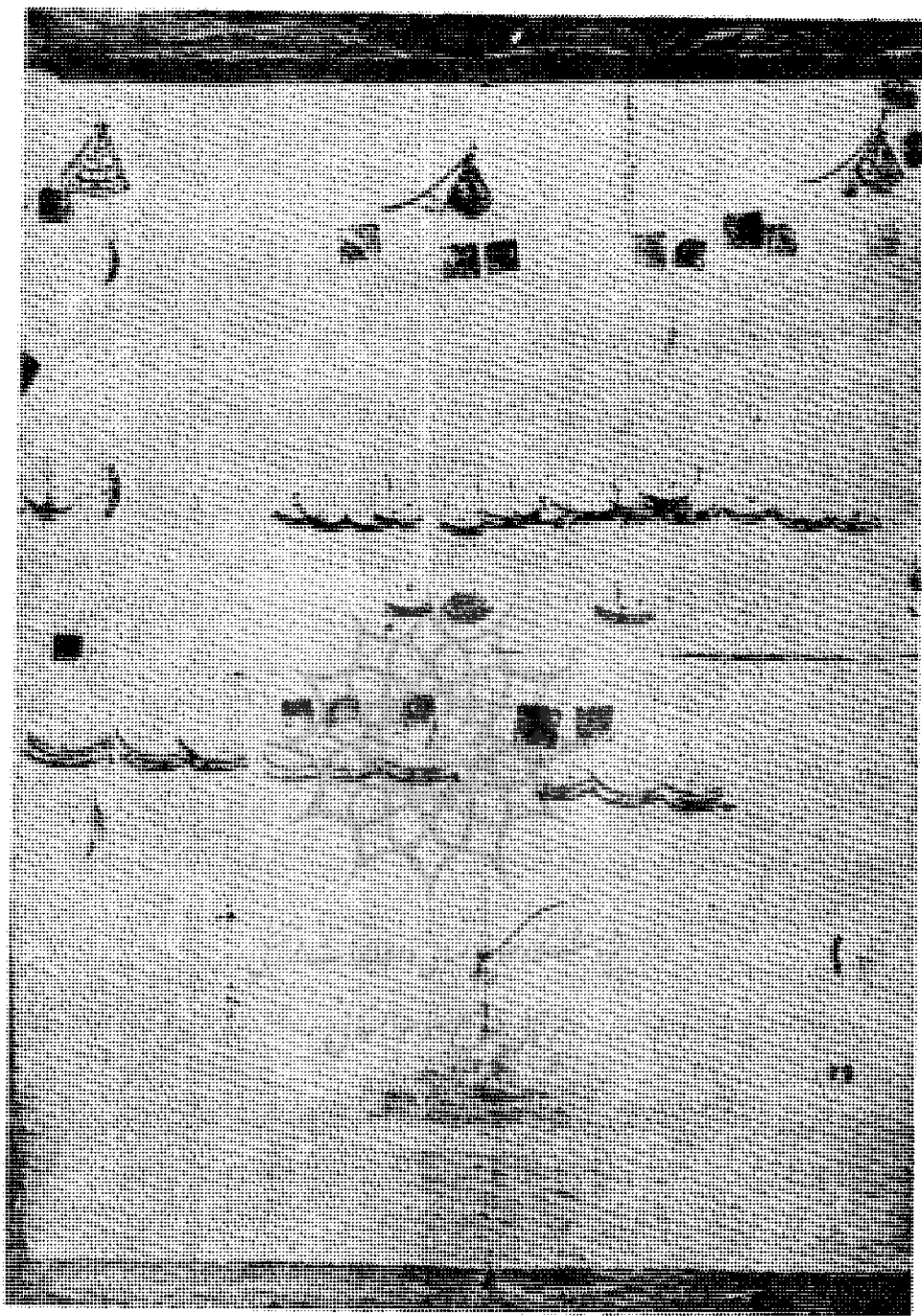
متن مهرهای پشت سند : علاوه بر گواهی متصدیان دفاتر دیوانی متن مهرهای پشت سند شماره ۳ بشرح زیر است :

- ۱- افوض امری الی الله ۲- حسن بن محمد یوسف ۳- جمعقرقلی
- ۴- الواثق بالله [دو کلمه ناخوانا] ۵- افوض امری الی الله عبده نصرالله
- ۶- المتوکل علی الله عبده محمد علی ۷- سید محمد الحسینی ۸- الراجی
- محمد رضا بن ابوالقاسم الحسینی ۹- افوض امری الی الله عبده الراجی
- محمد ۱۰- المتوکل علی الله عبده محمد شفیع ۱۱- عبده الراجی محمد
- ۱۲- حبیب الله بن موسی ۱۳- افوض امری الی الله عبده محمد اسمعیل
- ۱۴- لا اله الا الله الملك الحق المبین عبده علی ۱۵- افوض امری الی الله
- عبده مصطفی الحسینی ۱۶- لا اله الا الله الملك الحق المبین عبده حبیب الله
- ۱۷- افوض امری الی الله یوسف .

۶- مقرب الخاقان درست است .



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



پشت نویسی سند شماره ۳- شامل مهرهای دفاتر دیوانی

سند شماره ۴

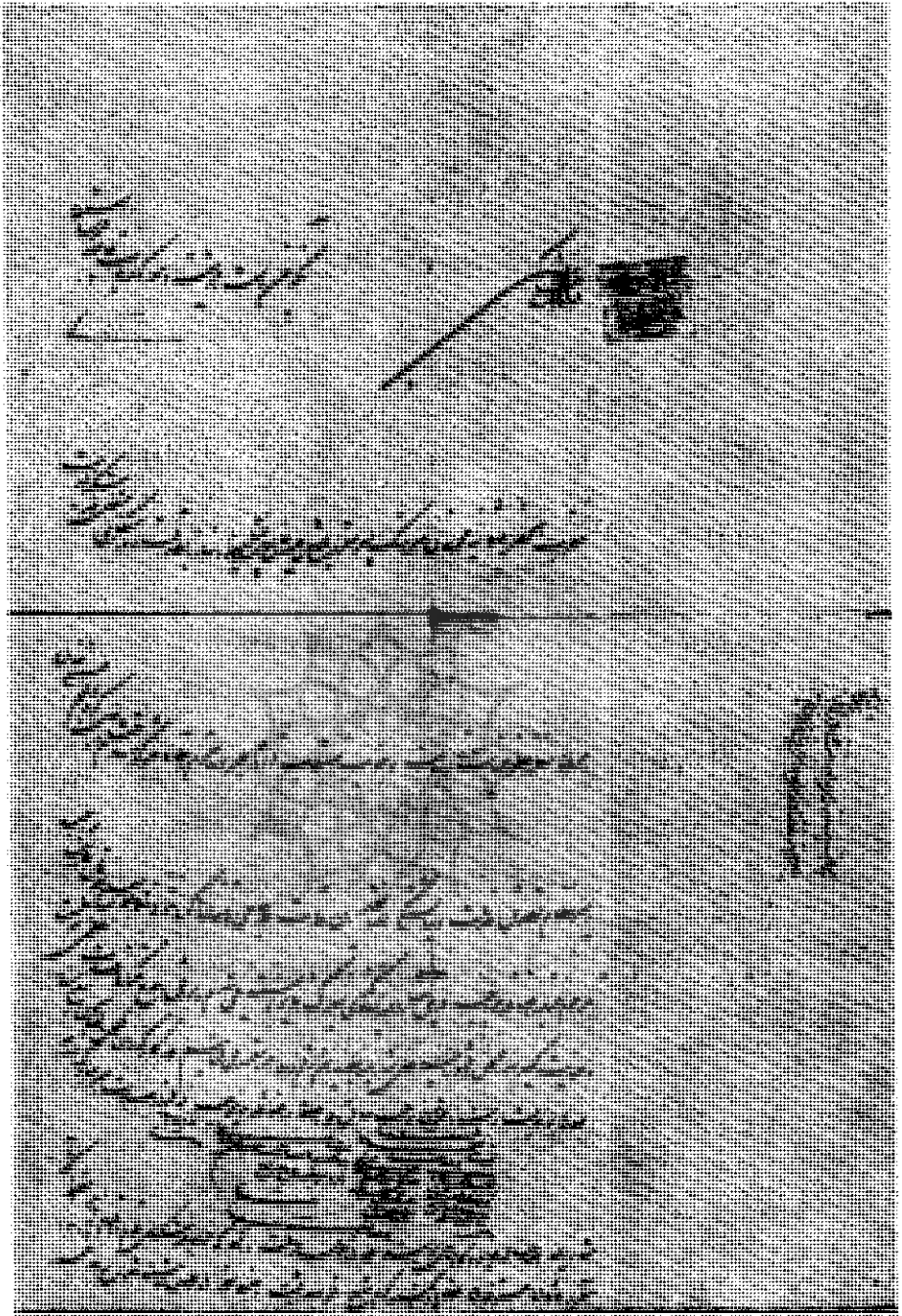
جای مهر چهارموش مظفرالدین شاه از دوران ولیعهدی باین سجع :

منشور حکمرانی بگرفت زیب و آئین از خاتم ولیعهد سلطان مظفرالدین

حکم والا شد : آنکه چون وسعت امر معیشت و آسودگی و رفاهیت عالیجاه مجدت همراه مقرب الحضرة الخاقانیه محمدخان سرهنگک پسر مقرب الخاقان حیدرخان سرتیپ افشار که لیلا ونهاراً بصداقت و درستکاری مشغول خدمتگذاری است همواره منظور نظر عنایت اثر والاست و جناب مستطاب قواماً للمجد والاحترام و نظاماً للشوكة والاحتشام اجل اکرم افخم حسنعلی خان امیرنظام تصدیق خدمات و شایستگی او را نمودند ، این اوقات که حاجی آقا خان ماکوئی متوفی شده بود مبلغ نود تومان از بابت مواجب مرحوم مزبور اضافه مواجب در حق مشارالیه از خاکپای همایونی مستدعی شدیم و موافق ابلاغ تلگرافی صدارت عظمی مرحمت و عنایت گردید ، لهذا محض افتخار و امیدواری مشارالیه بصدور این رقم والا امر و مقرر می فرمائیم که : کارگزاران مملکت آذربایجان مبلغ مزبور را علاوه بر دویست و بیست و پنج تومان مواجب سابق او اصلاً و اضافه بدین موجب : ^۷ از قرار صدور برات بمهر مبارک در وجه مشارالیه همه ساله عاید و کارسازی نمایند که درکمال فراغت و آسودگی بلوازم خدمتگذاری قیام و اقدام نماید . مقرر آنکه مقربوالخاقان [کذ] ^۸ مستوفیان عظام و کتبه کرام رقم والا را ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند . شهر ربیع الاول ۱۳۰۳ .

۷- در این جا ارقام مزبور به تفکیک و به سیاق نوشته شده است .

۸- مقرب الخاقان .



سند شماره ۴ - بامبر دوران ولیعهدی مظفرالدین شاه

سند شماره ۵

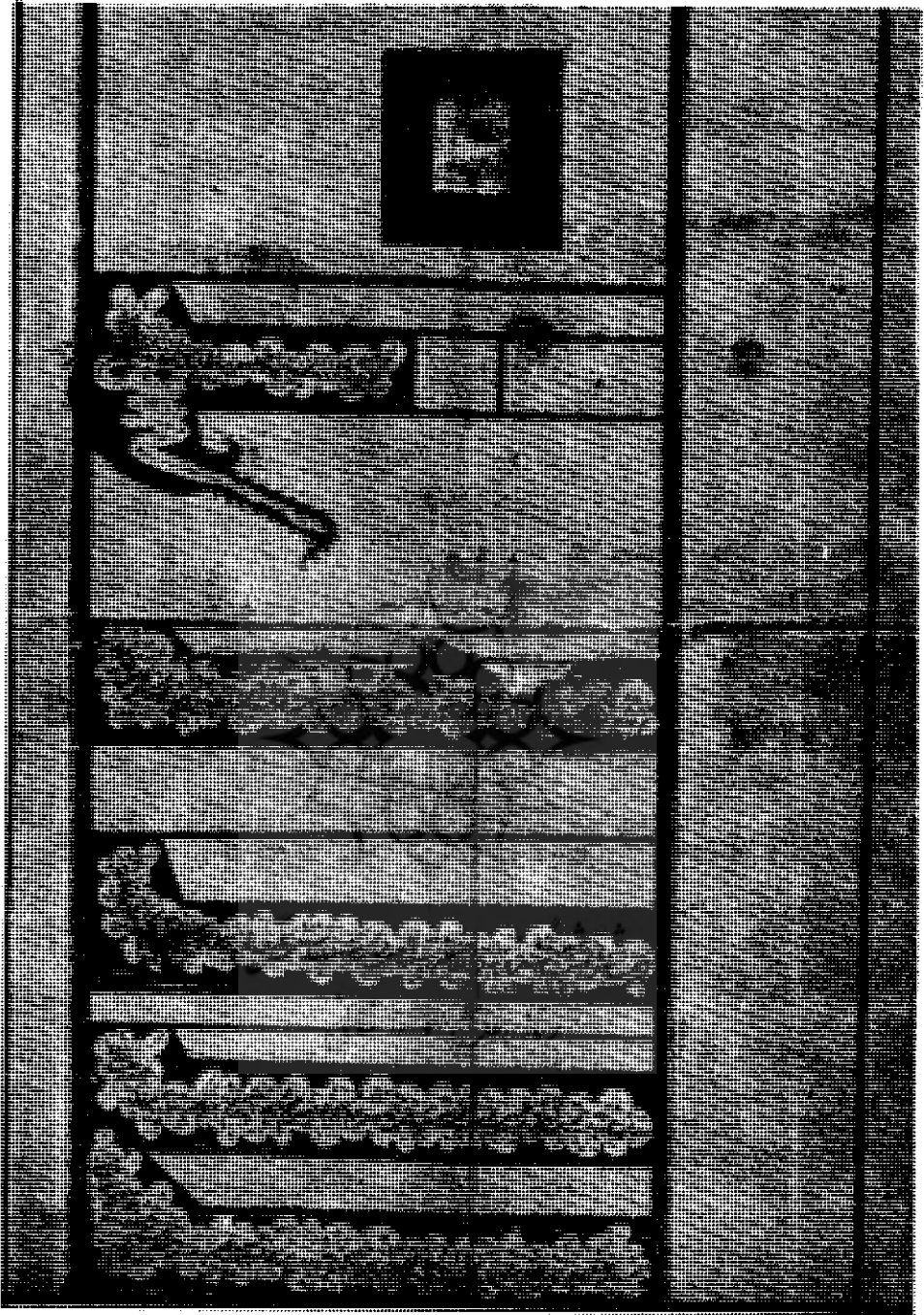
جای مهر چهارموش کلاهک دار مظفرالدین شاه باین مضمون :

الملك لله + دمید کوکب فتح وظفر بعون الله

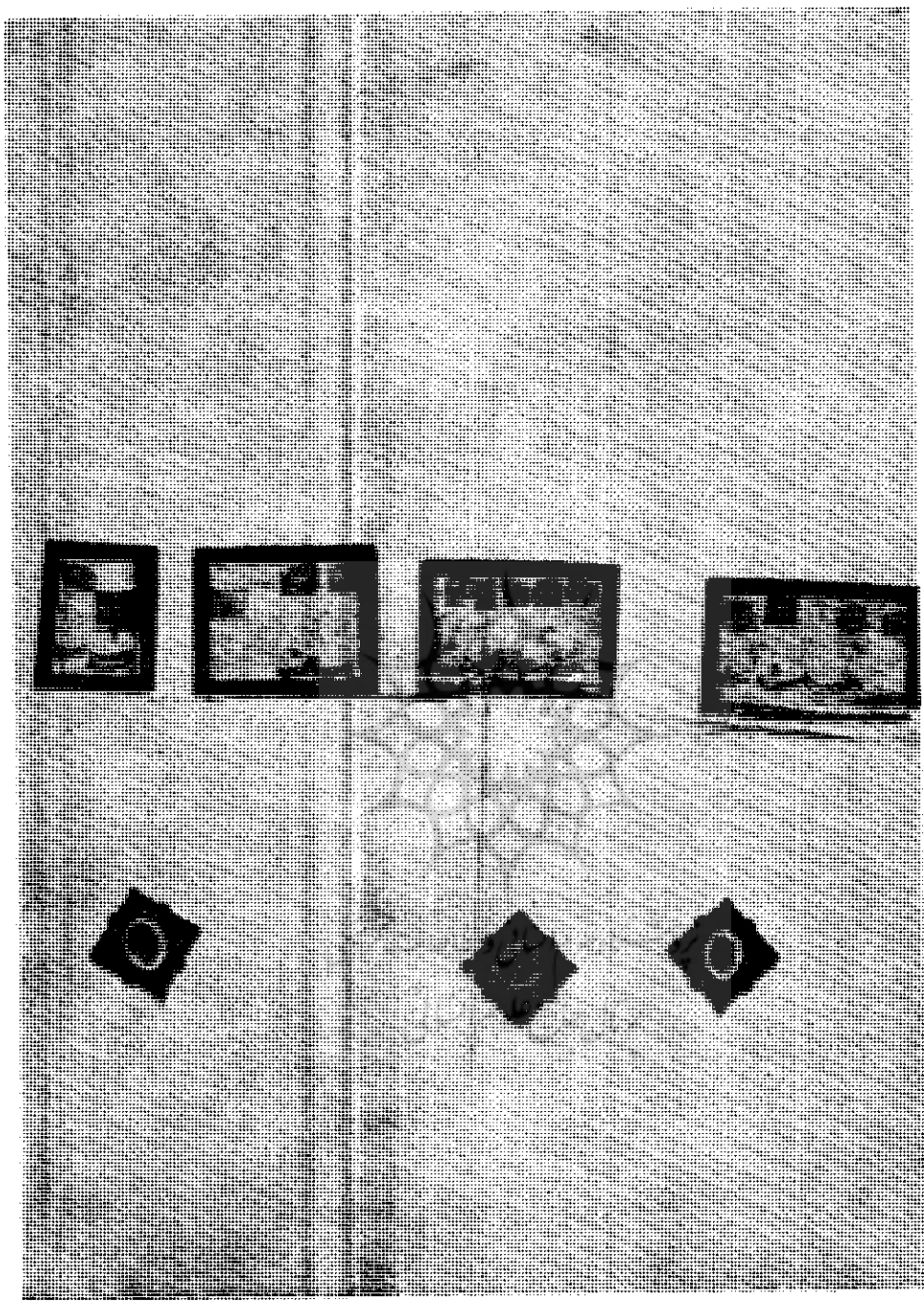
گرفت خاتم شاهی مظفرالدین شاه ۱۳۱۴ .

آنکه چون اراده علیه همایون ما همواره باین تعلق یافته که پیدایش خدمات هر يك از خانه زادان دولت و پروردگان نعمت که طریق جان نثاری و راه خدمتگذاری را درکمال صداقت پیموده و درمواقع رجوع خدمت به پیچوجو تکاھل و تکاسل ننموده اند به مرحمت خاص و عنایت با اختصاص بین الاقران قرین افتخار و امتیاز واصل داریم ، مصداق این مقال شامل حال عمدة الامراء العظام حسینعلی خان میرپنج آذربایجانی که اباعنجد از جمله خدمتگذاران دولت جاوید آیت است ، لهذا برحسب تصویب جناب مستطاب اجل اشرف اکرم افخم امجد صدر اعظم و تصدیق نورچشم اسعد کامکار نامدار امیرخان سرداروزیر جنگ ، مشارالیه را به لقب یمین لشگری سرافراز فرمودیم که شمول این مرحمت را اسباب مفاخرت خود قرار داده بیشتر از پیشتر بلوازم جان نثاری بپردازد و مقرر آنکه عموم صاحب منصبان نظام ، مشارالیه را باین لقب مخاطب داشته و لشکر نویسان عظام شرح فرمان مبارک را ثبت و ضبط نمایند .
شهر ذیحجة الحرام ۱۳۱۶ . ۹

- ۹- متن مهرهای پشت این سند عبارت است از : ۱- محمود ۱۳۱۵ .
- ۲- معتمد نظام ۱۳۱۴ . ۳- عبدالحسین ۱۳۱۰ . ۴- علی اکبر نصرت لشکر ۱۳۱۲ .
- ۵- موافق الدوله ۱۳۱۷ . ۶- معین لشکر ۱۳۱۷ . ۷- معاون السلطان ۱۳۱۴ .
- ۸- اقتدار السلطنه ۱۳۱۶ . ۹- افوض امری الی الله - محمد ۱۳۱۴ . ۱۰- احتشام لشکر . ۱۱- امامقلی عمید لشکر . ۱۲- افوض امری الی الله عبده احمد . ۱۳-
- مستوفی نظام . ۱۴- نصیر همایون . ۱۵- قوام الدوله . ۱۶- صدر اعظم .



سند شماره ۵ - با مهر مظفرالدین شاه



پست نویسی سند شماره ۵

سند شماره ۶

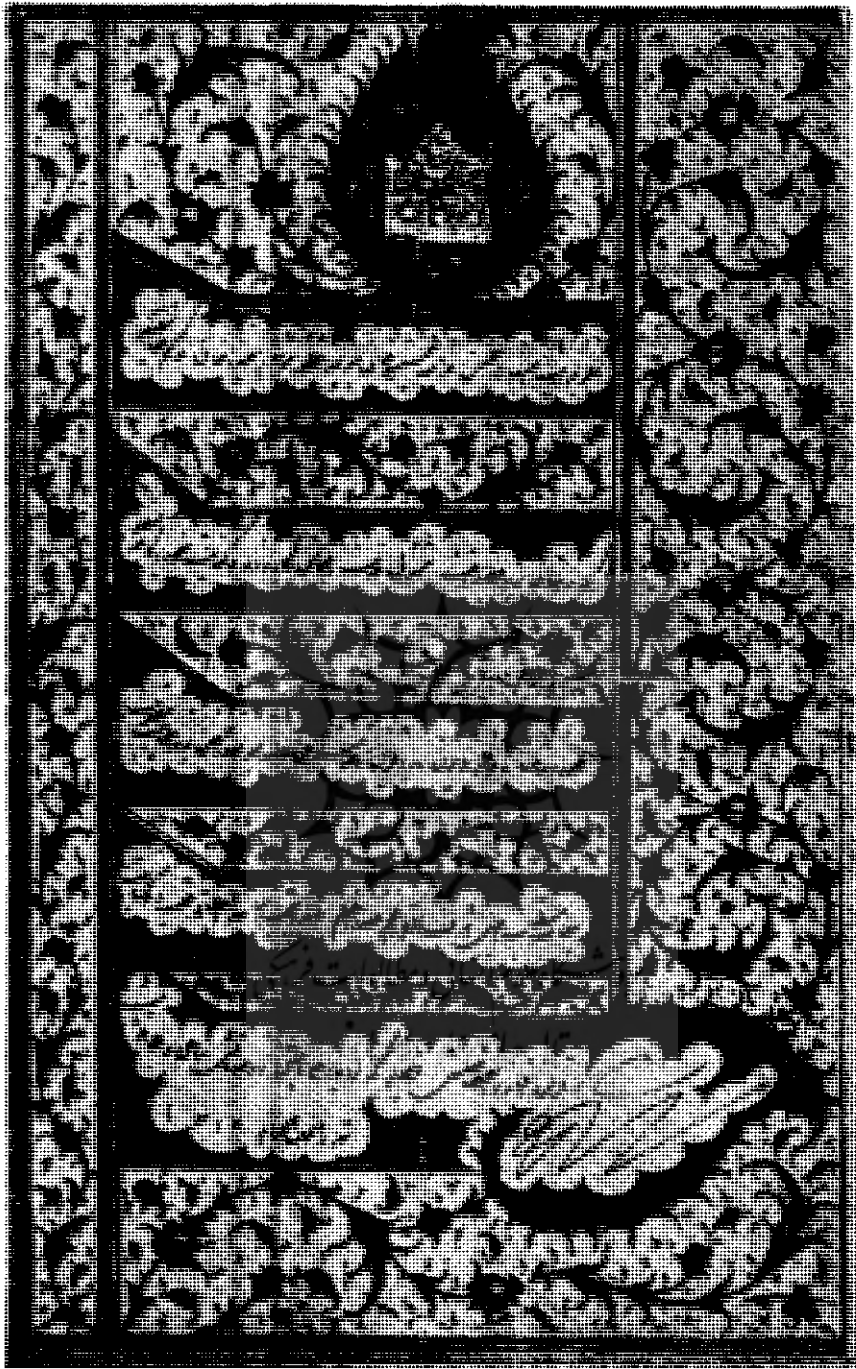
محل مهر چهارگوش کلاھک دار مظفرالدین شاه

متن مهر : السلطان بن سلطان مظفرالدین شاه قاجار ۱۰

نظر به مراتب استعداد و حسن خدمات حسینعلی خان میرپنجه! نواده مرحوم حیدرخان حاکم صاین قلعه که مدت‌های مدید بصداقت مشغول خدمت و محاسن کناردانی و کفایت خود را کاملاً بمنصه ظهور رسانده و خاطر همایون ما را قرین رضامندی داشته بود لهذا محض بروز عنایت ، بتصویب جناب مستطاب اجل اشرف اکرم افخم صدراعظم او را به لقب ساعدالسلطانی ملقب و بدین موهبت قرین امتیاز و اختصاصش فرمودیم که زایدأ علی ماسبق در خدماتش ساعی و جاهد باشد . شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۱۷ .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۰- این سند نفیس دارای ابعاد ۱۳×۲۰ سانتیمتر میباشد . طول و عرض سند از بالا و از سمت راست با حاشیه‌ای مطلاً با اندازه ۳×۴ سانتیمتر تزئین یافته و گل و بوته اسلیمی بطرز هنرمندانه ای در آن تعبیه شده است .



صند شماره ۶ - باسم مظفرالدین شاه

سند شماره ۷

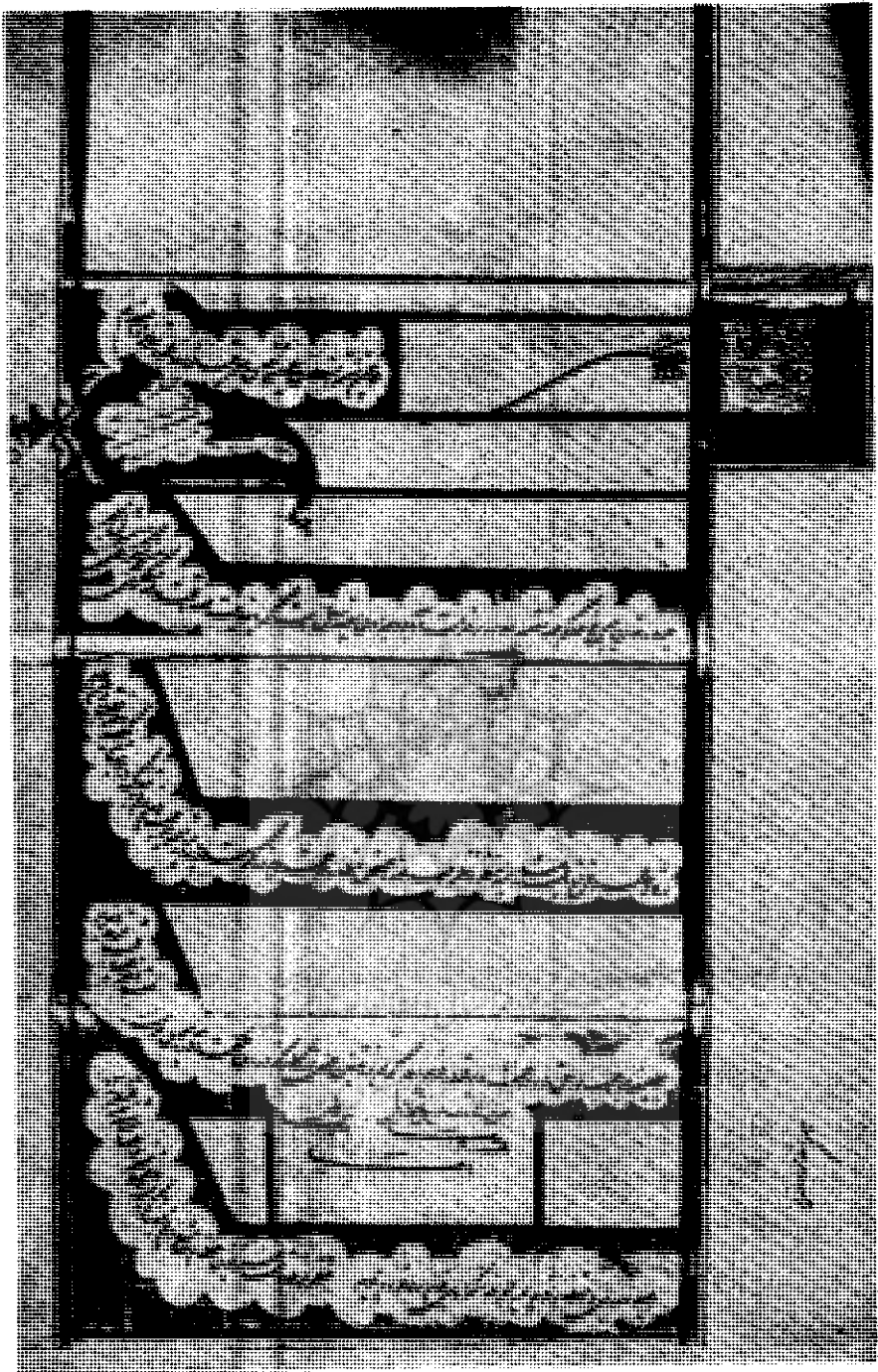
متن مهر چهارگوش محمدعلی میرزای ولیعهد در بالای سند حاشیه سمت راست :

بست جو از صلح با ولای علی عهد گشت محمدعلی بشاه ولیعهد

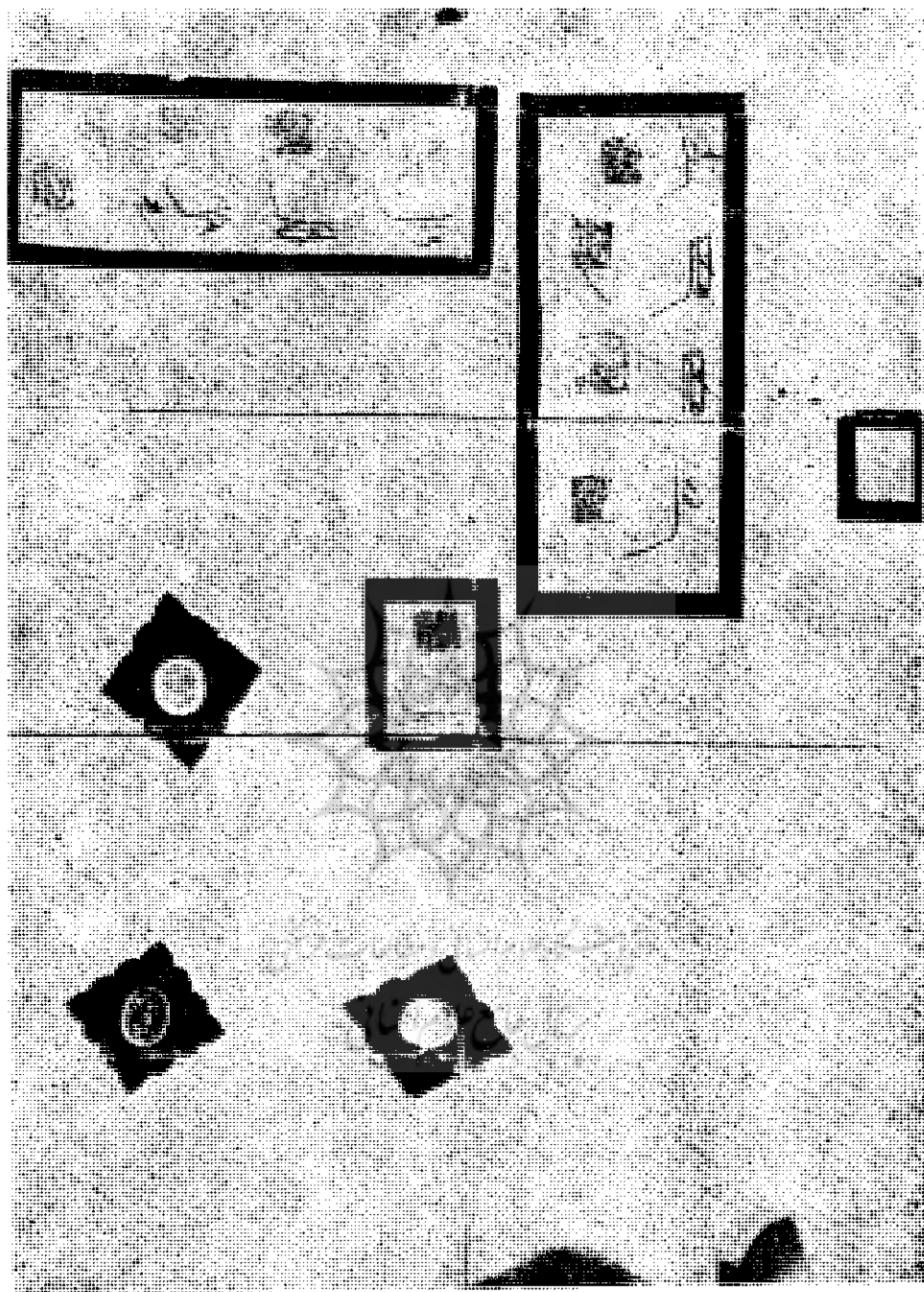
حکم والا شد ۱۱ : که چون معتمد السلطان حسینعلیخان سرتیپ نواده عمده الامراء العظام حیدرخان میرپنج حاکم صاین قلعه علاوه بر خدمات آباء واجدادی چندسال است که بانهایت صداقت و درستکاری بخدمتگذاری مشغول بوده ، رفاه حال و فراغ بال مشارالیه منظور نظر است لهذا محض اظهار مرحمت و بروز مکرمت در باره مشارالیه بموجب این رقم مبارک والا مبلغ یکصد و پنجاه تومان بدون رسوم بصیغه موجب در حق او مرحمت و برقرار فرمودیم که بعد از تعیین محل از کارگزاران مملکت آذربایجان بموجب صدور برات اخذ و دریافت نموده بامزید امیدواری واستظهار تمام بمراحم خدمتگذاری قیام و اقدام نماید ، مقربوالخاقان [کذ] ۱۲ مستوفیان عظام شرح رقم مبارک راثبت و ضبط نموده در عمده شناسند . شهر صفر ۱۳۱۶ . متن مهرهای پشت سند که شامل مهرهای دفاتر دیوانی است بشرح زیر است :

- ۱- وکیل دفتر ۱۳۰۵ ۲- معاون دفتر ۳- لاله الا الله الملك -
- الحق المبین عبده محمد رحیم ۵- نصیرالدوله ۱۳۱۳ ۶- سعیدالدوله
- ۷- محمد علی ۱۳۱۴ ۸- عبده علی بن اکبر [یک کلمه ناخوانا]
- ۹- معتمد دفتر ۱۰- ثقه الدوله ۱۱- امیر نظام ۱۲- اعتماد دفتر .

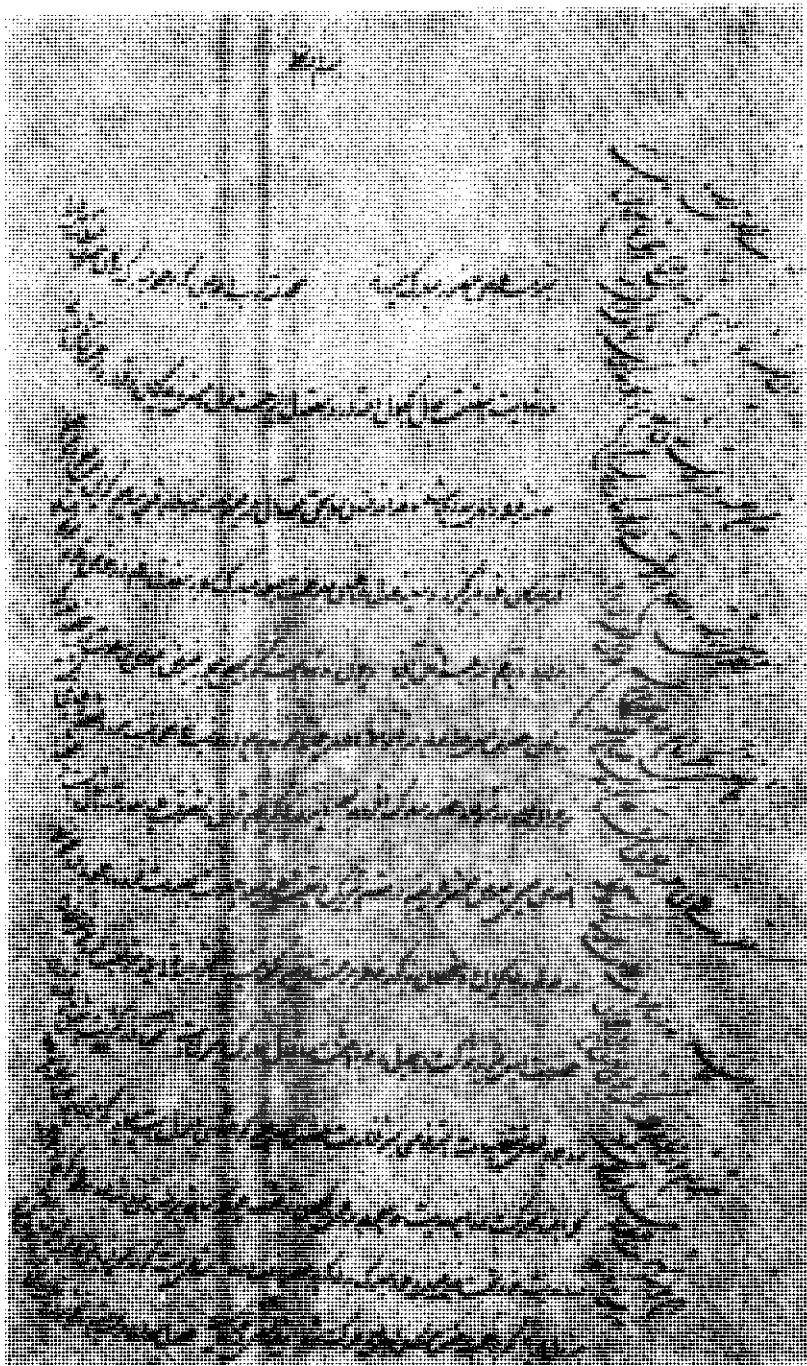
- ۱۱- این طغرا بر احکام شاهزادگان قاجار کشیده میشود . در باره انواع طغراها نگاه کنید به : مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی . نشریه شماره ۸۴ - انجمن آثار ملی تألیف دکتر جهانگیر قائم مقامی چاپ تهران ۱۳۵۰ .
- ۱۲- مقرب الخاقان درست است .



سند شماره ۷- بامبر محمد علی میرزای ولیعهد در حاشیه



پشت نویسی سند شماره ۷- مهر های دفاتر دیوانی



سند شماره ۸۸ - نمونه خط و انشاء آخوند عبدالغفار . دستخط امیر نظام در حاشیه سند دیده میشود